

درآمدی بر حقوق اقلیت‌های قومی

با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عمار پرتوی، کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

امروزه مسئله اقلیت‌ها در گستره‌ای مطرح می‌شود که ارتباط نزدیکی با ویژگی‌های کلی زمان ما دارد مردم درصدد حفظ هویت خود در مقابل یک شکل‌سازی هستند. از این‌رو افراد و اجتماعات به یک میزان اشتیاق خود را به حفظ موجودیت خویش، استفاده از توانایی‌های خلاقانه‌شان و داشتن نقشی فعال در زندگی ملی و بین‌المللی ابراز می‌کنند. تنوعات فرهنگی، زبانی و مذهبی جوامع امروزی به جایی رسیده است که مفهوم اقلیت همچنان ظاهر است. اصطلاح اقلیت به جامعه‌ای اشاره دارد که خود را بر محور هویتی متفاوت از جامعه به عنوان یک کل، سازمان می‌نهد و این تفاوت را علنی بیان می‌کند و خواستار به رسمیت شناخته شدن آن می‌شود. اقلیت عبارت است از گروهی از اشخاص که به سبب برخی از خصوصیات جسمانی یا فرهنگی خود، با برخوردی متفاوت و متمایز با دیگر اعضای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند روبه‌رو می‌شوند و در نتیجه خود را در معرض نوعی تبعیض جمعی می‌بینند. در اصول ۱۱ تا ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق اقلیت‌ها اشاره شده است. نگاه کلی و برآیند نگرشی که از این اصول و سایر اصول قانون اساسی به دست می‌آید این است که قانون‌گذار به حقوق اقلیت اهتمام داشته و خود را ملزم به رعایت آن می‌داند. البته در این میان برخی از اقلیت‌ها را به رسمیت شناخته که این اقلیت‌ها از امتیازات ویژه‌تری برخوردارند؛ بنابراین طبق قانون، صرف داشتن یک عقیده مذهبی، مانع از بهره‌مندی افراد از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی نخواهد بود و قانون اساسی این حقوق را به رسمیت شناخته است. به عنوان مثال آنجا که قانون اساسی سخن از امنیت قضایی و حمایت قانون از همه مردم می‌زند، هیچ سخنی از محرومیت اقلیت‌ها، ولو اقلیت‌های غیررسمی در ایران به میان نمی‌آورد. فهم کلی سازگاری حقوق اقلیت‌های قومی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با آنها، یکی از رویکردهای این تحقیق می‌باشد.

واژگان کلیدی: قومیت، حقوق اقلیت‌ها، قانون اساسی، حقوق اساسی
درآمد

حقوق اقلیت‌ها امروزه از موضوعات مورد بحث و مناقشه در محافل علمی است. در تاریخ اسلام نیز این موضوع از عصر نبوی تاکنون از زوایای مختلف مورد توجه بوده است و متفکران مسلمان پژوهش‌های زیادی را در این

خصوص انجام داده‌اند. در همه این آثار و تألیفات، سیره رهبران اسلام به‌ویژه پیامبر اسلام^(ص) در قبال اقلیت‌های دینی، منبع اصلی تحقیق و تتبع بوده است. جامع‌ترین تعریفی که در ادبیات حقوقی مورد استناد قرار می‌گیرد، این است که اقلیت عبارت است از گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند و افراد آن در عین دارا بودن تابعیت، ویژگی‌های قومی، زبانی و مذهبی متفاوت با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در راستای حفظ فرهنگ و ویژگی‌های خاص خود هستند. هدف آنان دستیابی به مساوات و برابری حقیقی و حقوقی با اکثریت مردم می‌باشد. هرچند که مفهوم اقلیت در اسناد بین‌المللی به خوبی تبیین نشده و حقوق اقلیت‌ها به صورت غیرمستقیم و در شکلی فردگرایانه و عمدتاً تحت عنوان حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته و ضمانت اجرایی نیز لحاظ نشده است، اما با این حال این رویکرد ناقص در همه ابعاد حقوق بشر وجود دارد. اقوام ساکن در محدوده سرزمینی یک دولت کشور، اجزای تشکیل دهنده عنصر جمعیت آن به شمار می‌روند. معمولاً در گذر زمان و تحت شرایط گوناگون سیاسی، تاریخی، اقتصادی و ... یکی از اقوام بر اقوام دیگر تفوق پیدا کرده و به عنوان اکثریت قلمداد می‌شود. اقوام دیگر نیز به دلیل قرار گرفتن در موضع پایین‌تر، حکم اقلیت را پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی شناسایی و تأمین حقوق اقلیت‌های قومی ضرورت می‌یابد (دستی، ۱۳۹۳: ۷). علی‌رغم تکثر فرهنگی، زبانی، دینی، مذهبی و قومی جامعه ایران و تأکید قانون اساسی ایران به آن، تبیین دقیق و علمی حقوق اقلیت‌های قومی در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است و یکی از دلایل عدم توفیق کامل مدیریت مطالبات قومی، عدم تبیین دقیق، صحیح و همه‌جانبه اصول مربوط به اقلیت‌های قومی در قانون اساسی است.

۱- کلیات و مفاهیم

کلمه قوم یا ethnique در فرانسه و ethnic در انگلیسی و از ریشه یونانی ethnikos امروزه رواج زیادی پیدا کرده است. اگرچه در ترجمه برخی از مشتقات این کلمه از جمله ethnology و یا ethnography واژه مردم به جای واژه قوم به کار برده می‌شود.^(۱) در فرهنگ فارسی معین، واژه قوم را چنین تعریف کرده است که گروه مردم از زن و مرد، کسی که با شخصی قرابت داشته باشد، خویشاوند، اقوام؛ این فرهنگ فارسی چیزی درباره واژه قومیت نیاورده است. با جست‌جو در گذرگاه‌های تاریخی به این نتیجه می‌رسیم که بحثی به نام اقلیت در دوران تاریخی جایگاهی نداشته است. تنها سرخ موجود در این زمینه آن است که کوروش کبیر به هنگام ورود فاتحانه به شهر بابل در ۵۳۸ قبل از میلاد، طی فرمانی، تمام مللی را که احتمالاً تمامی اقلیت بوده آن و در اسارت بابلی‌ها به سر می‌بردند را آزاد نمود (لسانی ۱۳۸۳: ۱۳۱)؛ و منشور کوروش کبیر را صادر نمود. پس از آن نیز می‌توان منشور مدینه را مثال زد که پس از تشکیل حکومت اسلامی از سوی پیامبر اسلام (ص) صادر شد. در گذر زمان و از سده‌های شانزده به بعد پیمان‌هایی در خصوص اقلیت‌ها به امضا رسیده است؛ اما قبل از جنگ

جهانی اول کلمه اقلیت عمدتاً در مفهوم مذهبی یا پارلمانی آن به کار گرفته می‌شد. پاره‌ای از قراردادهای بین‌المللی نیز تنها از اقلیت‌های مذهبی و حقوق آنها سخن می‌گفتند.^(۲) اقلیت قومی یک جمعیت انسانی متعلق به یک گروه قومی در یک جامعه سیاسی و یا دولت - کشور است که معمولاً از نظر تعداد کمتر از سایر اعضای جامعه بوده و به سبب دارا بودن شاخص‌های قومیتی، دارای هویتی متمایز از سایر اعضای جامعه هستند، در عرصه‌های مختلف، به ویژه اداره جامعه به طور مؤثر و با فرصت یکسان مشارکت و حاکمیت ندارند و ممکن است مورد تبعیض، تحقیر و ستم قرار گیرند. به عبارتی دیگر اقلیت قومی در نگاه اول، گروهی افراد ساکن در یک سرزمین و یا دولت - کشور بوده و دارای ویژگی‌های قومی باشند (دشتی، همان: ۹۷).

۲- منابع حقوق اقلیت‌های قومی

وجود اقلیت‌ها واقعیتی است که از قرن‌ها پیش در داخل بسیاری از کشورها وجود داشته و توجه به حقوق این اقلیت‌ها به عنوان جزئی از حقوق بشر، صرفاً از اوایل قرن بیست میلادی آغاز شده و با تصویب منشور ملل متحد به اوج خود رسیده است. حال آنکه تا قبل از قرن بیست میلادی، حقوق اقلیت‌ها جزء مسائل سیاسی محسوب شده و داخل در صلاحیت انحصاری دولت‌ها بوده است. رعایت حقوق اقلیت‌ها یکی از دغدغه‌های حقوق بشری و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی است. در فقه اسلام نیز رعایت حقوق اقلیت‌ها، مورد توجه قرار گرفته است. فقه اسلام، با استفاده از منابع غنی اسلامی و با تأکید بر آیات و روایات و کلام معصومان، بارها و در بحث‌های مختلف بر اعطای حقوق اقلیت‌ها و ایجاد شرایط مطلوب زندگی برای آنان تصریح کرده که در پرتو آن، بسیاری از تنش‌ها، فروکش کرده است (عزیزی، محمدی زاده، ۱۴۰۱: ۲۰۱).

۲-۱- دیدگاه اسلام به حقوق اقلیت‌های قومی

آرمان واقعی و هدف اصلی اسلام، ایجاد امت واحده بر اساس عقیده اسلامی است که دربرگیرنده تمامی هویت‌های دیگر است؛ یعنی اسلام علی‌رغم احترام به تمام هویت‌های دیگر در نظر دارد هویتی برتر و شامل تمام عوامل هویت‌زای دیگر را ایجاد و همه آن هویت‌ها را زیر چتر اسلام گرد آورد. اسلام واقعیات طبیعی اجتماعی را انکار نکرده و ضمن بر شمردن آنها از آیات الهی، به برابری همه اقوام و اعطای حقوق آنها و محترم شمردن هویت وطنی و قومی بدون تفاخر و برتری‌طلبی تأکید دارد. در واقع در اسلام اصل قومیت و تمایز قومی مذموم نیست، بلکه آنچه مذموم تلقی شده، فخرفروشی قومی، برتری‌طلبی قومی و تبعیض میان اقوام است. اینکه در اسلام آنها را به رسمیت شناخته و سپس حکم به برقراری تساوی حقوق آنها داده و تزییع حقوق اقوام و تحقیر آنها را نپذیرفته است (دشتی، همان: ۱۸۵). در ادامه رویکرد اسلام به برخی حقوق اقلیت‌های قومی را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

الف) به رسمیت شناختن قومیت و زبان‌ها

قرآن کریم تفاوت‌های زبانی و نژادی را از نشانه‌های پروردگار برشمرده و فهم آن نشانه‌ها را از عالمان انتظار دارد (آیه ۲۲، سوره روم)، همچنین خداوند متعال در سوره حجرات به طور رسمی اعلام می‌فرماید که ما مردم را به شعوب و قبایل مختلف تقسیم کردیم تا تمایز داشته و از هویت‌های متفاوت برخوردار شده و به شناخت همدیگر دست یابند. نکته مهمی که در آیه وجود دارد، استفاده قرآن از واژه خَلَقْنَا برای زن و مرد و جَعَلْنَا برای قومیت‌هاست. اصطلاح جَعَلْنَا به شکل‌گیری و تکوین تدریجی اقوام در طول تاریخ اشاره دارد و گرنه همه مردم از نفس واحد خلق شده‌اند (سوره حجرات، آیه ۱۳).

ب) منع برتری طلبی قومی و زبانی

در تفسیر آیه ۱۳ سوره حجرات، افرادی را که به نژاد و قومیت افتخار می‌کنند و عظمت و شرافت را به حسب و نسب می‌دانند محکوم می‌نماید. پیامبر اسلام (ص) در روز فتح مکه فرمود: «ای مردم خداوند نخوت و غرور جاهلیت و افتخار بی‌پایه به پدران را از بین برد و بر روی آنها خط بطلان کشید. عربیت سمت پدری و مقام ارزشمندی ندارد فقط زبان گویشی است. هرکس این زبان را داشته باشد عربی است. هر که باشد بدانید همه شما از آدم هستید و آدم هم از خاک است. گرامی‌ترین شما از نظر خدا کسی است که تقوا و پرهیزکاری‌اش بیشتر باشد». همچنین پیامبر اسلام (ص) فرمود: «خداوند متعال روز قیامت به مردم خطاب نمود و می‌فرماید: اوامر و دستورهایی به شما دادم و عهد و پیمان بستید که آنها را انجام دهید، ولی شما آن عهد و پیمان را نادیده گرفته و نسبت به قومیت خود بالیدید. من هم امروز افرادی را که به من انتساب و ارتباط دارند ترفیع درجات داده و مقام آنها را بالا ببرم و نسب‌های بی‌ارزش شما را پست و ناچیز می‌دانم. اهل تقوا کجا هستند بیایند» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۸۵). پیامبر اکرم (ص) افرادی که به اقوام خود افتخار (فخر فروشی) می‌کنند را به جعل تشبیه می‌کند که اقدامی بسیار حقیر به نظر می‌آید.

ج) منع تحقیر و توهین به اقلیت‌های قومی

اسلام با تمسخر و توهین و تحقیر مخالف بوده و صراحتاً آن را نفی و بلکه نهی فرموده است (آیه ۱۱، سوره حجرات). از آنجا که قرآن کریم در سوره حجرات به ساختن جامعه اسلامی بر اساس معیارهای اخلاقی پرداخته، پس از بحث درباره وظایف مسلمانان در مورد نزاع و مخاصمه گروه‌های مختلف اسلامی در آیات مورد بحث به شرح قسمتی از ریشه‌های این اختلافات پرداخته تا با قطع آنها اختلافات نیز برچیده شود و درگیری و نزاع پایان گیرد.

۲-۲- دیدگاه حقوق بشر جهانی به حقوق اقلیت‌های قومی

شناسایی و حمایت از حقوق اقلیت‌های قومی در اسناد بین‌المللی و به طور ویژه در اسناد جهانی حقوق بشر دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. این حمایت‌ها در زمان جنگ سرد^(۳) از آهنگ کندتری برخوردار بوده و

سپس به سمت بهبود و ارتقای شرایط پیش رفته است. ذیلاً به اهم حقوق اقلیت‌های قومی در اسناد جهانی حقوق بشر اشاره نموده و به طور اختصار توضیح داده خواهد شد.

الف) اصل منع تبعیض در اسناد جهانی حقوق بشر

نظام حقوق اقلیت‌ها در چهارچوب نظام عام حقوق بشر قرار می‌گیرد و در این سیستم قابل مطالعه و بررسی است. در این بعد، افراد متعلق به گروه‌های اقلیت از تمام حقوقی که برای انسان‌ها در قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی مقرر گردیده است برخوردار خواهند شد. در این راستا دولت‌ها موظف‌اند بهره‌مندی گروه‌های اقلیت از این حقوق را به مانند افراد اکثریت بدون هیچ نوع تبعیضی فراهم آورند.

ب) حق حیات جمعی در اسناد جهانی حقوق بشر

تأمین حق مذکور در رأس حقوق قرار می‌گیرد که گروه‌های اقلیت در نظام حقوق اقلیت‌ها از آن برخوردار می‌گردند. بر همین اساس که پاسداری از آن بر عهده حقوق بین‌المللی کیفری است و نقض این حق به مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت دولت^(۴) مربوط می‌انجامد. در حقیقت کنوانسیون منع و مجازات جنایت ژنوسید مصوب نهم دسامبر ۱۹۴۸ را باید اولین کنوانسیون حقوق بشری دانست که یک روز قبل از تصویب اعلامیه حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

ج) حقوق فرهنگی اقلیت‌ها

فرهنگ واژه‌ای است که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما معنای دقیقی ندارد. این واژه در سال ۱۴۳۰ میلادی وارد زبان انگلیسی گردید که مفهوم پیشرفت و تعالی از آن مورد نظر بود. در ادبیات فارسی نیز ریشه لغوی فرهنگ به معنای رشد و تعالی و بهتر شدن می‌باشد. در زبان عربی نیز ثقافه از همان معنا ریشه می‌گیرد (سلیمی، ۱۳۷۹: ۹). حقوق فرهنگی^(۵) توسعه‌نیافته‌ترین حق‌های بشری از نظر محتوای هنجاری، دامنه اجرا و قابلیت اجرای قانونی هستند. در این زمینه، حق اقلیت‌ها و اشخاص متعلق به آنها بر مشارکت در زندگی فرهنگی خویش با شدت بیشتری نادیده گرفته شده است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۹، تفسیر عام شماره ۲۱ خود در رابطه با مشارکت در زندگی فرهنگی را صادر کرد که می‌تواند نقطه عطفی در حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت‌ها به شمار آید. کمیته در این تفسیر، از رهگذر ارائه تعریفی واضح از محتوا و دامنه، ذی‌نفعان و ماهیت حق و گستره تعهداتی که اجرای حق مذکور بر دولت‌های عضو بار می‌کند، توانست نقاط مبهم بند «الف» ۱ ماده ۱۵ میثاق را روشن سازد و به آن معنایی شفاف‌تر از پیش دهد و به حق بهره‌مندی اقلیت‌ها و اعضای آنها از گستره‌ای از حقوق فرهنگی که در پیوند یا ناشی از حق مشارکت در زندگی فرهنگی هستند، مفهومی نوین بخشید؛ به نحوی که می‌توان آن را مبنای بالقوه‌ای برای حمایت، حراست و ارتقای فرهنگ و در نتیجه حقوق فرهنگی اقلیت‌ها دانست.

۲-۱-۲- حقوق اقلیت‌های قومی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها، منشور ملل متحد ۱۹۴۵ است که شالوده نظام حمایت از اقلیت‌ها را بر عدم تبعیض بنا نهاده است. با وجود این، به نظر برخی، عدم تصریح حقوق اقلیت‌ها در منشور، تا اندازه‌ای حمایت از اقلیت‌ها را تضعیف کرده و مانع رفع نیازهای اساسی آنان و حفظ منافعتشان از طریق قاعده عدم تبعیض^(۶) شده است (میر محمدی ۱۳۸۵: ۲۰). با تأسیس سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد تنها دو ماده را به بحث اقلیت‌ها اختصاص داد که هر دو بسیار کلی هستند. بند ۳ ماده ۱ و ۵۵ منشور، به این موضوع اشاره دارد که با توجه به ابهام و کلی‌گویی بند ۳ ماده ۱، مفاد آن در بند ۱ ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تکرار شده است (خلف رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۷۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در ماده اول خود سه اصل آزادی، برابری و برادری را مطرح کرده است (صفایی، ۱۳۷۰: ۴). عموم متخصصان از کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات جنایت نسل‌کشی در سال ۱۹۴۸ به عنوان اولین کنوانسیون الزام‌آور^(۷) در رابطه با حقوق اقلیت‌ها نام برده‌اند. کمیته حقوق بشر نیز ممنوعیت ارتکاب ژنوسید در حقوق بین‌الملل را از جمله اقداماتی می‌داند که در راستای حمایت از اقلیت‌ها تدوین شده است. طبق ماده دوم این کنوانسیون، ژنوسید به اعمالی گفته می‌شود که با قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). تصویب کنوانسیون منع مجازات جنایت ژنوسید (۱۹۴۸)، از حق موجودیت اقلیت‌ها، حمایت کیفری می‌کند (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۵۷). کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵) نیز تلاشی برای محکوم ساختن تبعیض نژادی و قومی است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی (۱۹۶۶) نیز در ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه را دارند. قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص، حمایت مؤثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض به خصوص از نظر نژاد، زبان، مذهب، عقاید سیاسی^(۸) و عقاید دیگر، اصل و منشأ اصلی یا اجتماعی، مکتب، نسبت یا هر وضعیت دیگر تضمین کند». اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی (۱۹۹۲)، مهم‌ترین گام در شناسایی حقوق اقلیت‌ها و حق هویت آنان است و به توسعه نظام حمایت از اقلیت‌ها می‌پردازد (نیک‌روش رستمی، ۱۳۹۰: ۲۰). اعلامیه رفع تمامی اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده (۱۹۸۱) نیز آزادی انجام مناسک مذهبی و عدم تبعیض بر پایه مذهب یا عقیده را مورد تأکید قرار می‌دهد. بند ۱ ماده اول اعلامیه حق آزادی انتخاب دین و عقیده و همچنین ابراز علنی یا خصوصی مناسک را اعلام داشته و بند ۲ همین ماده، اعمال فشار بر این آزادی را منع می‌کند. بند سوم ماده فوق نیز اعمال محدودیت در ابراز دین یا عقیده را صرفاً برای حمایت از نظم، امنیت و بهداشت عمومی و حقوق بنیادی و آزادی دیگران و فقط در چهارچوب قانون ممکن می‌داند (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

۳- تمایز حقوق اقلیت‌ها در ایران و حقوق بشر غربی

مطابق جهان‌بینی اسلامی، انسان موجودی دارای شرف، حیثیت و کرامت ذاتی از خداست و رهپوی هدفی اعلا و محدود به جسم نیست، بلکه مجموعه‌ای از جسم و روح است و دین اسلام با نگاهی جامع به وی و نیازهایش حقوقی را برای وی رقم زده است؛ اما در منطق جهان سکولار^(۹) غرب هیچ حقیقت ارزشی در ورای انسان وجود ندارد (جعفری، ۱۳۷۰: ۵۳)؛ و جهان مادی نه به عنوان میانه راهی برای زندگی بلکه مقصود و قصد وی محسوب می‌شود و محور حقوق وی قرار می‌گیرد؛ از این‌روی حقوق بشر غربی با محوریت نگرش سکولاریستی به انسان تنظیم شده است و مطابق همین معنا، بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، با تأثیر از تفکر لیبرالیستی^(۱۰) عامل محدودیت حقوق و آزادی‌های افراد را مزاحمت با حقوق و آزادی‌های دیگران و مقتضیات اخلاقی جامعه دموکراتیک اعلام می‌دارد. طبیعی است فهم انسان به عنوان موجودی که سعادت وی در گرو تأمین نیازهای دنیایی و دینی‌اش است، با درک انسان سکولار متفاوت می‌باشد و حقوق مفروض بر این دو سنخ انسان کاملاً متفاوت خواهد بود، از این‌روی ضمن انکار تعریفی استاندارد و همه شمول در همه جوامع و مکاتب از مفهوم حقوق بشر بلکه نفی تلقی سکولار از انسان و حقوق وی، باید این امر را به فرهنگ‌های بومی و هنجارهای هر مکتب و جامعه ارجاع داد. همان‌طور که برخی از دولت‌ها همچون ایران، هند، چین و برزیل اعلام کرده‌اند، حقوق بشر مورد نظر غرب برخلاف فرهنگ و عقیده آنهاست و لذا در مسائل حقوق بشر بایستی به فرهنگ‌های بومی توجه شود و معیارهایی که صرفاً بر مبنای فرهنگ و سنن و فلسفه غربی است نبایستی جهانی تلقی شود (کریمی، ۱۳۷۵: ۸۸).

۴- تکالیف و تعهدات دولت در قبال اقلیت‌های قومی بر اساس قانون اساسی

تعهدات و تکالیف دولت در دو دسته سلبی و ایجابی قابل بررسی می‌باشد. از جمله تکالیف سلبی دولت (تکلیف دولت به عدم انجام آنها) می‌توان به عدم تبعیض و تمایز بین افراد و مناطق مختلف کشور از هر قوم و قبیله و منع تبعیض منطقه‌ای از سوی دولت و همچنین به عدم نقض حقوق و ایجاد محدودیت و جلوگیری از آزادی‌های مشروع اقلیت‌های قومی اشاره نمود. تعهدات و تکالیف ایجابی دولت نیز عبارت‌اند از: تلاش برای ایجاد برقراری تساوی حقوق، امکانات و فرصت‌ها در زمینه‌های مختلف، ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم برای اجرای حقوق اقلیت‌های قومی، برخورد و مقابله با تضييع حقوق اقلیت‌های قومی توسط دیگران؛ مانند جلوگیری از توهین و تحقیر و اصلاح، تنقیح شفاف‌سازی و تکمیل سیاست‌ها و قوانین ناقص و مبهم در زمینه حقوق اقوام (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۳۵).

۵- سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال حقوق اقلیت‌های قومی

در سیاست‌های کلی نظام که از سوی مقام معظم رهبری در اجرای اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ می‌گردد به حقوق اقوام و اقلیت‌ها توجه ویژه‌ای شده است که به شرح ذیل به آن اشاره می‌کنیم:

الف) سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز مصوب ۱۳۸۲: به موضوع اقوام اشاره دارد، در قسمت ب: امور اجتماعی - سیاسی و دفاعی و در بند ۱۸، تأمین حقوق قانونی اقوام و اقلیت‌ها مصرح در قانون اساسی، در چهارچوب همگرایی و تقویت وفاق ملی را جزو سیاست‌های درازمدت تلقی کرده است. بند ۳ به‌عنوان یکی از بندها است که در حوزه مربوط به امور اجتماعی و سیاسی درج گردیده است.

ب) سیاست‌های کلی نظام در خصوص وحدت و همبستگی ملی مصوب ۱۳۸۴: در بند ۹ این مصوبه آمده است: صیانت از مؤلفه‌های فرهنگی اقوام که مقوم فرهنگ اسلامی و ملی است و رعایت شئون آنان در رسانه‌های جمعی بایستی مورد توجه قرار گیرد و همچنین در بند ۱۰ تأکید بر اصل وحدت و همبستگی ملی در طرح‌های آمایش سرزمین، برنامه‌ریزی‌ها و تقسیمات کشوری مورد اشاره قرار گرفته است. در بندهای ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ از تحکیم وحدت ملی، ثبات و اقتدار سیاسی و تقویت وفاق بین گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی و افزایش اعتماد ملی و احساس عدالت اجتماعی با رفع تبعیض و تأمین فرصت‌های برابر برای آحاد مردم سخن گفته است.

ج) در سیاست‌های کلی آمایش سرزمین مصوب ۱۳۹۰: توجه به یکپارچگی ملی و سرزمینی و تقویت هویت اسلامی - ایرانی و مدیریت سرزمین از طریق تنظیم اثربخش رابطه دولت و مردم و افزایش سازمان‌یافته سهم مردم در امور کشور با توجه به سیاست‌های کلی مصوب در بخش وحدت و همبستگی ملی، امنیت ملی و اقوام و مذاهب مورد تأکید بوده است.

د) سیاست‌های کلی انتخابات مصوب ۱۳۹۵: یکی دیگر از رهنمودهای رهبری در زمینه توجه به اقوام است. در این سیاست هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی ممنوع اعلام شده است.

۶- وضعیت حقوق اساسی اقلیت‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران

در وضعیت فعلی ایران و با توجه به قانون اساسی کنونی کشورمان سه مقوله مربوط به اقلیت‌ها را می‌توان از هم تمیز داد: اقلیت دینی، اقلیت مذهبی، اقلیت قومی که در اصول خاصی به آنان اشاره شده، مانند اصول ۱۵، ۱۹، صفت اقلیت قومی (بنا به اصل ۱۹ قانون اساسی؛ قوم، قبیله، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها) با صفت اقلیت مذهبی و دینی قابل جمع است و در عمل نیز چنین جمعی وجود دارد. برای مثال ارامنه ایران ضمن آنکه از لحاظ دینی، مسیحی (مذهب گریگوری) می‌باشند، دارای زبان و فرهنگ متمایزی نیز هستند (قومیت). پس

می‌توان انتظار داشت که برای هرکدام از این (لایه‌های هویتی)^(۱۱) حقوق خاصی در نظر گرفته شده باشد. با توجه به نکاتی که در ابتدای نوشتار و در مورد اقسام اقلیت‌ها در ایران گفته شد؛ می‌توان گفت که اقلیت‌های قومی به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه اقلیت‌های قومی که صرفاً به لحاظ قومیت خصوصیات متمایز کننده جدای از مذهب و دین، گروه خاصی را تشکیل می‌دهند، گروه اقلیت‌های مذهبی، گروه اقلیت‌های قومی دینی. آنچه در این بند مدنظر است، همین بعد قومی است که می‌تواند به یکی از سه صورت فوق‌الذکر، تظاهر کند. در اصل نوزدهم قانون اساسی با اشاره به تنوع قوم و قبیله در ایران، همه آنها را فارغ از رنگ و نژاد، زبان و مانند اینها برخوردار از حقوق مساوی به حساب آورده است. پس در درجه نخست، اقلیت‌های قومی نیز، برابر با دیگر شهروندان محسوب شده‌اند. از گروه اقلیت‌های قومی - مذهبی و قومی - دینی و حقوق برابر و تساوی‌شان در مقابل قانون، پیش‌تر بحث شد. برابری گروه اقلیت قومی (صرف) نیز، از آن حیث که در مقوله اکثریت (از حیث عقاید) قرار می‌گیرند؛ از بسیاری جهات مفروض بوده و محتاج تذکر است. در خصوص آزادی‌های گروه‌های اقلیت‌های قومی، به ویژه از حیث اعتقادات و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، در مورد اقلیت‌های مذهبی و دینی سخن به میان آمد. در مورد اقلیت‌های قومی صرف نیز، همان احکام مربوط به اکثریت جاری است و کرسی خاصی برای آنان منظور نشده که دلایل آن روشن است. بارزترین موردی که در آن به حقوق خاص قومی پرداخته می‌شود، مسئله آزادی فرهنگی و امکان حفظ هویت قومی^(۱۲) است که در این خصوص می‌توان به اصول ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۴ و ۲۶ اشاره کرد. اصل ۱۵ قانون اساسی، بعد از اعلام و تعیین زبان رسمی و ذکر این مطلب که اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با خط و زبان فارسی باشد، آزادی‌های متنوعی را برای استفاده از زبان‌های محلی (محلی و قومی) ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: آزادی به‌کارگیری این زبان‌ها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس زبان و ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی. این حقوق که در نوع خود جالب توجه می‌نمایند، امکان تداوم فرهنگی را برای گروه‌های قومی فراهم می‌آورند. در اصول ۲۴ و ۲۶ نیز به آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و آزادی نشریات و مطبوعات اشاره شده است؛ امری که آزادی اجتماع را نیز به گروه‌های قومی می‌دهد. قانون اساسی، در خصوص اینکه آیا احزاب می‌توانند پایه و مبنای قومی داشته باشند یا نه؟ ظاهراً ساکت است، اما از نص آن آشکار می‌شود که منعی وجود ندارد و علی‌القاعده تفسیر آن به عهده نهادهای مسئول است. لفظ جمعیت نیز، با آنکه اندکی مبهم می‌نماید، اما به هر حال می‌تواند به طیف وسیعی از تشکلهای اشاره داشته باشد که در آن صورت انجمن‌های فرهنگی، اجتماعی، خیریه و اقلیت‌های قومی را هم می‌تواند شامل شود. همچنین اصل ۲۰ قانون اساسی بر برخورداری همگان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اشعار دارد که در کنار دیگر اصول، مجوز طیف وسیعی از فعالیت‌ها را برای گروه‌های قومی فراهم می‌سازد. به طور خلاصه باید گفت که اقلیت‌های قومی از دو حال خارج نیستند یا از

اکثریت می‌باشند و یا از اقلیت‌های دینی و مذهبی که در هر دو حالت حقوقشان با آنها مشترک است. مهم‌ترین نکته متفاوت با آن دو به آن دسته از تفاوت‌های فرهنگی برمی‌گردد که حمایت و حراست از آن در قانون اساسی منظور شده است.^(۱۳) از حیث محدودیت‌ها و محدوده‌هایی که بر فعالیت‌های اقلیت‌ها منظور شده، در اصول ۹، ۱۴ و ۲۶ نکاتی آمده است که به این شرح‌اند: عدم توطئه و اقدام علیه اسلام و جمهوری اسلامی، خدشه وارد نکردن بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی کشور، رعایت اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی. با اینکه برخی از این نکات مبهم می‌باشند (مانند خدشه وارد نکردن بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کشور)؛ اما در کل همان حدودی هستند که قانون‌گذار بر همه آحاد ملت، رعایت آنها را الزامی ساخته و چیزی افزون بر بقیه برای گروه‌های اقلیت در نظر نگرفته است.

اصول مندرج در قانون اساسی، به اقتضای وضع قانون عام و اساسی، مجمل و کلی‌اند و طبعاً در مقام اجرا و تهیه آیین‌نامه‌ها، نکات باریک‌تر و غامض‌تری نیز گشوده خواهند شد. اگر این امر در مورد حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی با ماده‌واحدی خاص حل شده باشد، لکن در مورد اقلیت‌های قومی به دلیل اجرا نشدن اصول مقرر، ابهامات و نکات غامض هنوز مطرح نشده‌اند (قاسمی، ۱۳۸۲: ۸۷۰).

برآمد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از تعالیم اسلام در اصل ۱۹ مقرر می‌دارد که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. اصل بیستم نیز به طور عام و بدون اشاره به نژاد یا زبان خاصی مقرر می‌دارد که همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. از بند ۸، ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی نیز می‌توان تساوی عموم افراد ملت را به صرف نظر از تعلق آنها به اقوام، نژادها و زبان‌های مختلف استنباط کرد. به موجب اصل مزبور، وظایف دولت جمهوری اسلامی عبارت است از مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. در هیچ‌یک از اصول قانون اساسی و یا سایر قوانین برخورداری از هیچ حق یا احراز شغل و سمتی منوط به تعلق افراد به قومیت یا نژاد یا زبان خاصی نشده است. از جمله حقوق بسیار مهمی که همواره دولت‌ها و ملت‌ها به سبب ادامه حیات به آن نیازمند می‌باشند حقوق اجتماعی است. در بین اقلیت‌ها، اقلیت‌های قومی یعنی گروهی از افراد که ساکن در یک سرزمین و یا دولت - کشور هستند و دارای خصیصه‌های اقلیتی و ویژگی‌های قومی می‌باشند، دارای اهمیت

زیادی می‌باشند. مبانی اصلی حقوق اجتماعی اقلیت‌های قومی در ایران را به ترتیب دین، قوانین داخلی و پابندی به قوانین بین‌المللی تشکیل می‌دهد. طبق تحقیقات انجام شده در تعدادی از اصول قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران به مسئله حقوق اجتماعی همه مردم بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های خاص از نظر مذهب، قومیت و نژاد اشاره گردیده است، ولیکن به طور صریح تنها در اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی کشور ایران به حقوق اقلیت‌های قومی اشاره شده است. اگرچه در ایران توجه خوب و قابل قبولی نسبت به رعایت حقوق اجتماعی اقلیت‌های قومی صورت می‌پذیرد، ولیکن متأسفانه در عمل به صورت کامل کلیه حقوق اجتماعی مربوط به اقلیت‌های قومی که در قانون اساسی مدنظر قرار گرفته، رعایت نمی‌گردد. همچنین در خصوص نقش اقلیت‌های قومی در تصمیم‌گیری‌های کشور ایران باید به این نکته توجه داشت که به دلیل حضور کم‌رنگ‌تر برخی از اقلیت‌های قومی در مناصب سیاسی و اجرایی کشور میزان اثرگذاری مؤثر آنان بر فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ملی کمتر می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- به‌عنوان مثال واژه‌های ethnology و ethnography به وسیله برخی از مترجمان به مردم‌شناسی و مردم‌نگاری هم ترجمه شده‌اند اما در اغلب موارد از همان واژه قوم در ترجمه فارسی استفاده شده است.
- ۲- مانند پیمان اولیوا (oliva) که توسط لهستان و اکتور کبیر ((greet ector منعقد شد و طی آن پومرانیا ((pomerania و لیوینا (livonia) در اختیار سوئد قرار گرفت و به ساکنین این سرزمین‌ها تضمین داده شد که از آزادی‌های مذهبی بهره‌مند شود.
- ۳- اصطلاح «جنگ سرد» ساخته والتر لیپمن روزنامه‌نگار آمریکایی است. لیپمن این مفهوم را در سال ۱۹۴۴ ابداع کرد؛ مفهومی که به تدریج یک اصطلاح سیاسی رایج در تحلیل‌های سیاسی نویسندگان گوناگون شد. منظور لیپمن از جنگ سرد عبارت بود از: وضعیت تنش طولانی و شدید بین کشورها یا پیمان‌های نظامی رقیب که البته به جنگ تمام‌عیار تبدیل نمی‌شود.

۴- Government responsibility

۵- Cultural rights

۶- discrimination

۷- Binding

۸- Political opinions

- ۹- به فرانسوی sécularisme، دین‌جدایی یا جدانگاری دین از سیاست
- ۱۰- لیبرالیسم در برابر مارکسیسم، یک ایدئولوژی راست‌گراست چراکه از آزادی اقتصادی و عدم مداخله یا مداخله کمتر دولت در اقتصاد دفاع می‌کند.

۱۱- Identity layers

۱۲- Preservation of ethnic identity

۱۳- گروه اقلیت‌های قومی در قانون اساسی را می‌توان از دو جهت تقسیم‌بندی کرد: یکی محور عقاید (اکثریت شیعه اثنی عشری، اقلیت‌های مذهبی و اقلیت‌های دینی) و دیگری محور قومیت (خصوصیات متفاوت غیردینی و عمدتاً فرهنگی). از تلاقی این دو محور، پنج دسته گروه اقلیت در ایران پدیدار می‌شود: اقلیت دینی صرف (مثلاً مسیحیان انجیلی)، اقلیت دینی - قومی (مانند ارمنه)، اقلیت مذهبی صرف (نظیر اهل سنت در برخی شهرهای استان خراسان) اقلیت مذهبی - قومی (مثلاً ترکمنان)، اقلیت قومی صرف (مانند آذری‌ها).

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- جعفری، محمدتقی، **تکاپوی اندیشه‌ها**، دفتر نشر فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰
- ۴- خلف رضایی، حسین و همکاران، **بررسی تطبیقی نسبت حق تعیین سرنوشت و حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و نظام جمهوری اسلامی ایران**، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶
- ۵- دشتی، تقی، **حقوق اقلیت‌های قومی**، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۹۳
- ۶- سلیمی، حسین، **فرهنگ گرای، جهانی‌شدن و حقوق بشر**، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ انتشارات، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۷- شمس، احمدرضا، **تعهدات حقوقی بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب**، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال ۲۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰
- ۸- صفایی، سید حسین، **حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۷، شماره پیاپی ۱۱۴۵، زمستان ۱۳۷۰
- ۹- عزیزی، ستار، **حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی**، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶
- ۱۰- عزیزی، ناصر، محمدی زاده، نادیا، **حقوق اقلیت‌ها از منظر حقوق بشر معاصر و فقه اسلامی**، فصل‌نامه علمی حقوق و فقه تربیت و کودک، دوره ۳، شماره ۱۱، ۱۴۰۱

- ۱۱- قاسمی، محمدعلی، اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۲
- ۱۲- کرمی، جهانگیر، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشردوستانه، انتشارت وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵
- ۱۳- لسانی، حسام‌الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل بشر، اندیشه‌های حقوقی، شماره ۳، ۱۳۸۳
- ۱۴- لسانی، حسام‌الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر، اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۲
- ۱۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۲، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۶
- ۱۶- میر محمدی، سید مصطفی، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، اندیشه تقریب، شماره ۹، ۱۳۸۵
- ۱۷- نیکروش رستمی، ملیحه، حقوق اقلیت‌های قومی - مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پژوهش‌نامه حقوق بشر، ۱۳۹۵

قوانین:

- ۱۸- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۹- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸
- ۲۰- کنوانسیون منع مجازات جنایت ژنوسید مصوب ۱۹۴۸
- ۲۱- کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵
- ۲۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی مصوب ۱۹۶۶
- ۲۳- اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی مصوب ۱۹۹۲
- ۲۴- اعلامیه رفع تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده مصوب ۱۹۸۱
- ۲۵- سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز مصوب ۱۳۸۲
- ۲۶- سیاست‌های کلی نظام در خصوص وحدت و همبستگی ملی مصوب ۱۳۸۴

۲۷- سیاست‌های کلی آمایش سرزمین مصوب ۱۳۹۰

۲۸- سیاست‌های کلی انتخابات مصوب ۱۳۹۵